

اهداف کلی آموزش زبان فارسی در پایه‌ی دوم متوسطه

الف) حوزه‌ی شناختی

انتظار می‌رود دانش‌آموزان با مطالعه‌ی این کتاب با مسائل و موضوعات زیر آشنا شوند :

- ۱) زبان فارسی معیار و نقش آن در زندگی و تحکیم ارزش‌های ملی، دینی و فرهنگی
- ۲) زبان و گفتار و تمایز آن‌ها از یکدیگر
- ۳) خط و نوشتار و تفاوت آن‌ها
- ۴) انواع نوشته و شیوه‌های تحقیق و مرجع‌شناسی
- ۵) نمونه‌هایی از زبان فارسی معیار و گذشته
- ۶) ساختمان کلمات و انواع آن
- ۷) نظام آوایی زبان فارسی

ب) حوزه‌ی نگرشی

انتظار می‌رود که دانش‌آموزان در پایان یادگیری، به موضوعات زیر علاقه‌مند شوند :

- ۱) بیان نظرات و افکار در قالب گفتار و نوشتار
- ۲) به‌کارگیری صحیح زبان فارسی در زندگی
- ۳) پاس‌داری از زبان فارسی و تلاش برای ترویج و گسترش آن
- ۴) کاربرد مناسب مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان فارسی

پ) حوزه‌ی مهارتی

انتظار می‌رود که در پایان یادگیری، توانایی‌های ذهنی و عملی زیر در دانش‌آموزان تقویت گردد.

- ۱) تشخیص جایگاه درست علائم نگارشی و ویرایشی
- ۲) مقایسه‌ی زبان و گفتار، خط و گفتار
- ۳) تشخیص ساختار صرفی و نحوی در زبان فارسی معیار
- ۴) تشخیص انواع نوشته‌ها و مواد لازم برای نوشتن
- ۵) به‌کارگیری آموخته‌های مربوط به زبان فارسی در زندگی
- ۶) به‌کارگیری قواعد املائی و نگارشی به‌هنگام نوشتن
- ۷) ویرایش متون مختلف زبانی و ادبی
- ۸) مهارت در نگارش نوشته‌های رایج در زبان فارسی
- ۹) مهارت در تحقیق و پژوهش
- ۱۰) توانایی استفاده از منابع و مراجع
- ۱۱) مهارت در تهیه و تنظیم مقاله
- ۱۲) مهارت در تهیه‌ی گزارش‌های علمی و ادبی

زبان و گفتار

□ زبان و گفتار چه تفاوتی باهم دارند؟

□ منظور از نمود آوایی زبان چیست؟

حتماً برای شما هم پیش آمده است که هنگام گفتن جمله‌ای اشتباه کنید و بلافاصله متوجه اشتباه خود شوید و آن را اصلاح کنید. این دوگانگی را چگونه می‌بینید؟ اگر جمله‌ی اشتباه، ناشی از ناآگاهی شما از قواعد زبان فارسی بود، چرا بلافاصله متوجه آن شدید و اگر ناشی از ناآگاهی شما نبود، چرا آن را به کار بردید؟ زبان‌شناسان برای حل این دوگانگی از تمایز میان **زبان** و **گفتار** یاد می‌کنند.

براساس این تمایز، **زبان یکی از توانایی‌های ذهن انسان است. حال آن که گفتار فقط**



نمود آوایی این توانایی است. ما حتی در مواقعی که سخن نمی‌گوییم یا به سخنان دیگران گوش نمی‌دهیم، باز هم از توانایی زبان برخورداریم. در مواقعی هم که در حال فکر کردن هستیم، بی‌گمان از زبان بهره می‌گیریم؛ بی‌آن که ضرورتاً پای گفتار در میان باشد. زبان‌شناسان معتقدند زبان به عنوان یک توانایی ذهنی است که در آن هیچ‌گونه اشتباهی وجود ندارد. تنها در گفتار ممکن است اشتباه پدید آید. از این نظر، زبان مثل جدول ضرب است که خالی از هرگونه خطا و اشتباهی است و گفتار مثل عمل ضربی است که ما با استفاده از جدول ضرب انجام می‌دهیم که امکان بروز اشتباه و خطا در آن هست. اشتباهاتی که در گفتار پدید می‌آید، ناشی از عواملی نظیر خستگی، بی‌حوصلگی، حواس‌پرتی و اضطراب یا دیگر عوامل محیط است.

اکنون می‌توانیم دوگانگی بالا را به کمک همین تمایز زبان از گفتار این‌گونه حل کنیم که بگوییم اشتباه در **گفتار** رخ می‌دهد و رفع و اصلاح آن به وسیله‌ی **زبان** صورت می‌گیرد. اما این تنها فایده‌ای نیست که از تمایز زبان و گفتار حاصل می‌شود. فایده‌ی دیگر این تمایز آن است که به کمک آن نشان می‌دهیم کسانی هم که به طور مادرزاد یا به سبب تصادف از قدرت گفتار بی‌بهره‌اند، به هیچ‌وجه از نعمت زبان محروم نیستند؛ مثلاً، ناشنوایان از توانایی ذهنی زبان به اندازه‌ی افراد دیگر برخوردارند؛ جز این که به هنگام استفاده از آن به جای **نمود آوایی** یا گفتار از **نمود حرکتی** (حرکت دست‌ها و لب‌ها) کمک می‌گیرند.

فعالیت

با اجرای یک پانتومیم (نمایش صامت)، درباره‌ی تفاوت میان نمود آوایی و نمود حرکتی زبان گفت‌وگو کنید.

فایده‌ی سوم تمایز میان زبان و گفتار این است که براساس آن نشان می‌دهیم که چرا گوناگونی‌های سبکی و لهجه‌ای و حتی گویشی به یگانگی زبان آسیب نمی‌رسانند. علت این امر آن است که گوناگونی‌های یادشده عمدتاً به گفتار مربوط می‌شوند نه به زبان. البته نکته‌ی اخیر در مورد گویش‌ها به طور صددرصد صادق نیست؛ چون — همان‌طور که در درس‌های سال پیش دیدیم — دامنه‌ی تفاوت‌های گویشی از گفتار فراتر می‌رود و به زبان می‌رسد. چرا

که گویش‌ها از نظر قواعد دستوری و نوع کلمات نیز باهم فرق دارند. به همین دلیل، ممکن است سخن‌گویان گویش‌های مختلف در فهم سخنان یک‌دیگر با اشکال روبه‌رو شوند. آن‌چه تاکنون درباره‌ی آن سخن گفتیم، به رابطه‌ی زبان و گفتار مربوط می‌شود. اکنون باید پرسید که رابطه‌ی زبان با **نوشتار** و **خط** چگونه است و آیا خط و نوشتار هم مثل گفتار، در معرض اشتباه یا تنوع و گوناگونی است یا مثل زبان، از اشتباه و تنوع به دور است؟ در درس‌های بعد به این پرسش‌ها پاسخ خواهیم داد.

بیاموزیم

کدام جمله صحیح است؟

الف) دامن زدن به رویت موجب شکست می‌شود.

ب) دامن زدن به دوگانگی موجب شکست می‌شود.

کلمه‌ی «دو» فارسی است و نباید از آن کلمه‌ی «دویت» ساخت.

در زبان فارسی کلماتی مانند «بشریت»، «انسانیت» و

«مدیریت» به کار می‌روند؛ زیرا «بشر»، «انسان» و «مدیر»

کلماتی عربی هستند و این قبیل کلمات می‌توانند با نشانه‌ی «یت = یت»

(مصدر ساز) عربی همراه شوند . بشریت (= بشریت) به معنی بشر بودن است
 و ... اما صحیح نیست که «یت» مصدر ساز عربی را با کلمات فارسی
 مانند «د»، «خوب»، «شهر»، «رهبر»، «خود»، «آشنا»،
 «من» و ... همراه کنیم و مصدر بسازیم.

خود آزمایی

- (۱) تمایز زبان و گفتار را با قواعد شطرنج و بازی شطرنج مقایسه کنید.
- (۲) چگونه می‌توانیم ثابت کنیم که ناشنوایان از توانشِ زبانی برخوردارند؟
- (۳) فواید تمایز میان زبان و گفتار را در یک بند بنویسید.
- (۴) چرا به کار بردن کلماتی چون «آشناییت»، «خوبیت» و «ایرانیّت» درست نیست؟ شکل درست این کلمات را بنویسید.

جمله

نهاد، گزاره

سال گذشته با جمله آشنا شدیم و آموختیم که :

جمله سخنی است که از نهاد و گزاره تشکیل شده است و نهاد دوگونه است :

نهاد جدا و نهاد پیوسته

نهاد جدا گروه اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله می آید و اغلب می توان آن را حذف کرد.

نهاد پیوسته همان شناسه است که شخص و شمار فعل را تعیین می کند و قابل حذف نیست.

جمله

گزاره		نهاد
نهاد پیوسته		نهاد جدا
یم	به ادبیات غنی و پر بار خویش می بال	ما

جمله های زیر را با هم بخوانیم :

☐ — موفق و سربلند باشید^۱.

☐ هم کلاسی های امروز ما، دوستان صمیمی فردای ما هستند.

☐ — قدر زندگی را بدانیم.

☐ سخت کوشان از هیچ مشکلی نمی هراسند.

(۱) اگر در جمله نهاد جدا، نباشد، در نمودار به جای آن، نشانه ی «—» می گذاریم.

- - راز موجودات جهان را از که بپرسیم؟
- دانش‌آموزان از خواندن کتاب‌های خوب لذت می‌برند.

فعالیت

الف) جمله‌های صفحه‌ی قبل را به دو قسمت نهاد و گزاره تقسیم کنید و نمودار بنویسید.

ب) نهاد جدا و پیوسته‌ی آن‌ها را پیدا کنید.

می‌بینیم که بین نهاد جدا و پیوسته‌ی جمله‌های بالا از نظر **شخص** و **شمار** هماهنگی است.

اکنون جمله‌های زیر را در نظر بگیرید :

- ۱) حضرت پیامبر (ص) پس از فتح مکه دشمنان شکست خورده را بخشیدند.
 - ۲) همین نهال‌های کوچک روزی میوه خواهد داد.
 - ۳) این ظرف‌ها شکستنی است.
 - ۴) هریک از شاعران نامدار ایران مثل ستاره‌ای در آسمان ادب فارسی می‌درخشند.
- تفاوت این جمله‌ها با جمله‌های پیشین در چیست؟
- تفاوت در این است که نهاد جدا با پیوسته از نظر شمار یکی نیست. این تفاوت در مواردی رایج است و می‌توان فعل چنین جمله‌هایی را **مفرد** یا **جمع** به کار برد.

مطابقت نهاد جدا و پیوسته

اصل این است که نهاد جدا، با شناسه مطابقت کند اما استثنا هم دارد.

- ۱) **برای احترام** : جمله‌ی شماره‌ی ۱ ؛ نهاد مفرد ← شناسه‌ی جمع
- ۲) **برای نهاد غیرجاندار** : جمله‌ی شماره‌ی ۲ و ۳ ؛ نهاد جمع ← شناسه‌ی مفرد یا

جمع.

(۳) برای برخی اسم‌های مبهم مثل : هیچ‌یک، هیچ‌کدام، هریک : جمله‌ی شماره‌ی ۴ ؛ می‌توان شناسه‌ی جمع یا مفرد آورد.

(۴) برای اسم‌های جمع مانند واژه‌های گله، رمه، کاروان و قافله در صورتی که نهاد واقع شوند، فعل مفرد به کار می‌رود.

اگر نهاد جمله به یکی از شکل‌های زیر بیاید، فعل آن چگونه خواهد بود؟

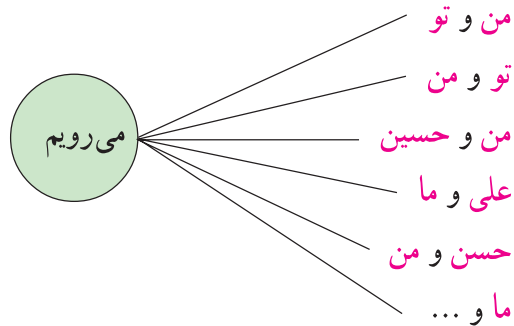
تو و حسن ...

حسن با تو ...

حسن با عمویش ...

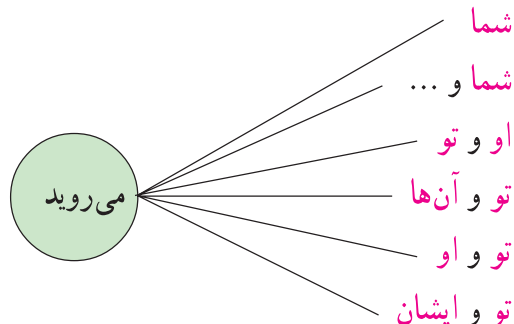
برای یافتن پاسخ، به موارد زیر دقت کنید :

اگر من یا ما همراه شخص دیگری، نهاد قرار گیرد، فعل به صورت اوّل شخص جمع می‌آید :



اگر تو یا شما همراه شخص دیگری – جز من و ما – نهاد قرار گیرد، فعل به صورت

دوم شخص جمع می‌آید :



اگر به جای «و»، «با» بیاید، فعل با کلمه‌ی پیش از «با» مطابقت می‌کند؛ زیرا آن چه پس از «با» می‌آید، جزء نهاد نیست.

من با ... (و...) می‌روم.

تو با ... می‌روی.

او با ... می‌رود.

بیاموزیم

کدام جمله را ترجیح می‌دهید؟

(الف) ابوعلی سینا حکیمی نامی بود.

(ب) ابوعلی سینا حکیم نامی‌ای بود.

در صفت‌هایی مانند: صمیمی، رنگی، قوی، متقی، مادی

و نامی که مختوم به «ای» = «ای» هستند، بهتر است «ی» به

موصوف افزوده شود.

بنابر این جمله‌ی «الف» بهتر است. چند مثال دیگر:

من از دوستی صمیمی برای مشورت کمک گرفتم. (به جای

دوست صمیمی‌ای)

شما در این صفحه‌ی کتاب، عکس رنگی نمی‌بینید. (به جای
عکس رنگی ای ...)

گاهی با اضافه کردن یک صفت دیگر، چنین جملاتی را به
شکل معمولی آن مای نویسیم، مثال: من از دوست صمیمی و مخلص
برای مشورت کمک گرفتم. شما در این صفحه عکس رنگی مناسبی
نمی‌بینید.

خودآزمایی

۱) در متن زیر، این تمرین‌ها را انجام دهید.

الف) نمودار ساده‌ی هر جمله را رسم کنید و جمله‌ها را زیر نمودار بنویسید.

ب) نهاد جدا و پیوسته‌ی جمله‌ها را مشخص کنید و بنویسید در کدام جمله‌ها، نهاد جدا با
پیوسته مطابقت ندارد. دلیل عدم تطابق نهادها را بنویسید.

آنس بن مالک می‌گوید: روزی رسول اکرم (ص) به خانه‌ی مادرم آمدند. برادر کوچکم، ابوعمیر، سخت
دل‌تنگ و اندوهگین بود. حضرت رسول (ص) علت دل‌تنگی برادرم را از ما پرسیدند. مادر گفت: ابوعمیر
پرنده‌ی زیبایی داشت که غالباً با آن سرگرم می‌شد. اینک آن پرنده مرده است. رسول اکرم (ص) نیز اندوهگین
گردیدند.

۲) برای جمله‌های زیر، فعل‌هایی با شناسه‌ی مناسب بیاورید و رابطه‌ی شناسه را با نهاد از نظر
شمار بررسی کنید.

مثال: علی و مسعود با هم به دبیرستان رفتند (نهاد جمع ← شناسه‌ی جمع)

□ علی و مسعود با هم به دبیرستان (رفتند).

- بسیاری از انسان‌ها از نظر رنگ و نژاد و زبان با هم اختلاف (داشتن) اما از نظر اصل انسان بودن با هم مشترک (بودن).
- در قرن چهارم هجری، ملت ایران با تکیه بر زبان و فرهنگ خود درخت تازه اما اصیلی را (پروردن) که در آب و هوای اسلام پرورش (یافتن).
- ملّتی که طالب استقلال سیاسی (بودن)، به زبان ملّی خود سخن (گفتن).
- ما و فردوسی با وجود هزار سال فاصله‌ی زمانی، با زبان فارسی پیوندهایی مشترک (داشتن).
- با دیگران چنان رفتار (کردن) که دوست داری دیگران با تو رفتار (کردن).
- کتاب‌ها از دستم رها (شدن) و بر زمین (افتادن).
- امیر با دوستش جمعه‌ها به کوه‌نوردی (رفتن).
- ۳) تفاوت زبان و گفتار را در یک بند بنویسید.